

یواخیم واخ

و جامعه‌شناسی دینی*

جوزف کیتاگوا
ترجمه: همایون همتی

که در دین‌شناسی از فلسفه آغاز کرده و به علم (۳۷) می‌رسیدند یا کسانی که از علم به سوی فلسفه حرکت می‌کردند، موضعی انتقادی داشت. به نظر او برعکس، جایگاه رشته تاریخ ادیان دقیقاً بین آن دو رشته قرار داشت. در این جهت نظر واخ همان نظر ماکس شیلر (۳۸) است که «رشته پدیده‌شناسی عینی در مورد اشیا و اعمال دینی» (۳۹) را بین رشته «بررسی تاریخ ادیان» (دین‌شناسی تجربی) و رشته «پدیده‌شناسی ماهیت دین» پیشنهاد کرد.

طبق نظر شیلر هدف چنین رشته واسطه‌ای، کسب فهمی کامل نسبت به مضامین فکری (۴۰) یک یا چند صورت دینی (۴۱) و پخته‌ترین شکل و قالب اعمال دینی که حاوی این مضامین فکری باشد، است. براساس نظر واخ چنان تحقیقی که مقصود شیلر است، تنها از طریق به‌کارگیری روش دینی-علمی (۴۲) دانش دین‌شناسی (۴۳) می‌تواند انجام پذیرد.

شهرت و اعتبار علمی واخ دانشجویان بسیاری را به لایبزیگ جذب کرد، اما این شغل پربار او در آوریل ۱۹۲۵ به شکلی ناقص به پایان رسید. دولت ساکسونی، زیر فشار نازی‌ها (۴۴) به اتهام اینکه واخ از تبار یهودیان است، هرچند خانواده او تا چهار نسل مسیحی بودند، اشتغال دانشگاهی او را متوقف کرد. خوشبختانه با دخالت دوستان آمریکایی‌اش، واخ به تدریس در دانشگاه برلین (۴۵) در ایالت رد ایلند (۴۶) دعوت شد و تا سال ۱۹۴۵ در آنجا اقامت داشت. سازگاری او با محیط جدید به هیچ‌وجه کار آسانی نبود، به خصوص که نگران مادر، خواهر و برادرش بود که زیر سیخ نازی‌ها رنج می‌کشیدند. واخ از سال ۱۹۲۵ تا پایان مرگش که در سال بعد اتفاق افتاد، در دانشگاه برلین (۴۷) تدریس می‌کرد. همکاران او در این دانشگاه عبارتند از: ارنست ترولنچ (۴۸) و ارنست کسب (۴۹) که در این زمینه‌ها با او همکاری داشتند. مناسب موضوع این مقاله، بررسی روش‌های تحقیق دینی است. تجلیات (۵۰) تجربی روش‌های تحقیق بشر آن‌گونه که در تاریخ آشکار شده است، به پیروی از معلم و استادش، رودلف اتولن، تجربه دینی را تجربه مرقدسی (۵۱) تعریف می‌کرد. او در سراسر عمرش معتقد بود که هر روشی که در صورت تار اساسی رشته

به همین سبب بود که واخ در رساله ماهرانه و زیرکانه خود، به نام تمهیدی بر دانش دین‌شناسی (۱۴) (۱۹۲۴) بر تمامیت (۱۵) و استقلال (۱۶) رشته تاریخ ادیان و رهایی آن از علم کلام (۱۷) و فلسفه دین (۱۸) پای فشرده. او تأکید کرد که ابعاد تاریخی و اصولی (۱۹) رشته ادیان به جای خود ضروری است، اما استقلال کرد که هدف اصلی این رشته «فهم» (۲۰) (Verstehen) است: «وظیفه و رسالت دین‌شناسی، شناخت و توصیف ادیان تجربی (۲۱) است. این رشته جويا و خواستار یک فهم توصیفی (۲۲) است و دانشی هنجاری و ارزش‌گذار (۲۳) نیست. این رشته هنگامی که ابعاد تاریخی و سیستماتیک صورت‌های (۲۴) واقعی دین را بشناسد رسالت خود را تحقق بخشیده است» (ص ۶۸). رساله یاد شده هنوز در رشته ادیان به عنوان متنی معتبر (۲۵) و فشرده مورد توجه پژوهشگران است.

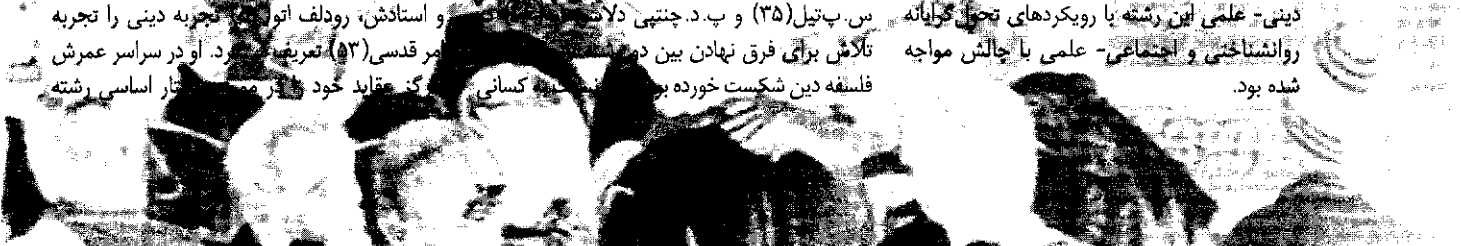
تلاش و بررسی واخ که بر مسأله فهم متمرکز شده بود، موجب شد تا او به تألیف اثری سه جلدی درباره سیر تحول هرمنوتیک (۲۶) در قرن نوزدهم دست زند. (۱۹۲۳-۱۹۲۶ Das Verstehen) جلد نخست به بررسی نظریه‌های هرمنوتیکی چهره‌های برجسته‌ای همچون فریدریک شلایر ماخر (۲۷)، ج.ا. اف است (۲۸)، اف.ا. ولف (۲۹)، اگوست بونخ (۳۰) و ویلم فون هامبولت (۳۱) می‌پردازد. در جلد دوم هرمنوتیک کلامی از شلایر ماخر تا یوهانس فون هافمن (۳۲) مورد بحث قرار می‌گیرد، در حالی که در جلد سوم نظریات مربوط به هرمنوتیک تاریخی لیوپولد فون رانکه (۳۳) تا پروتیبویسم تاریخی (۳۴) بررسی می‌شود. این کتاب عملاً واضح است که به ضرورت شفافیت اجزای روش خود که برای هرمنوتیکی استواری و قابلیت تکرار آن بیان می‌کند. واخ معتقد شده بود که رشته دین‌شناسی (دین‌شناسی) باید به‌خصلت تجربی خود ادامه دهد. او احساس می‌کرد که کسب (۳۵) و پ.د. جنتی دل‌شده (۳۶) تلاش برای فرق نهادن بین دین‌شناسی و فلسفه دین شکست خورده بود. به نظر او کسانی

یواخیم واخ (Joachim Wach)، مورخ ادیان آلمانی-آمریکایی (۱۹۵۵-۱۸۹۸) است. واخ در چمنیتز (۱) ساکسونی (۲) به دنیا آمد و در ارسلینا (۳) در سوئیس هنگام گذراندن تعطیلات دیده از جهان فرو بست. او از نسل اولاد موسی مندلسون (۴) بود و این نسبت، تأثیرات مثبت و منفی بسیاری بر زندگی و شغل او بر جای گذاشت. جد پدری او، ادولف واخ که حقوقدان برجسته‌ای بود با لیلی (۵) دختر فلیکس مندلسون که آهنگساز بود ازدواج کرد. پدر او فلیکس نیز باکانه (۶) که نوه برادر این آهنگساز بود و پل (۷) نام داشت، ازدواج کرد و به این ترتیب واخ در همان روزگار جوانی با موسیقی، ادبیات، شعر و زبان‌های کهن و جدید آشنا شد.

او پس از دو سال سربازی (۱۹۱۸-۱۹۱۶) در دانشگاه لایبزیگ (۸) ثبت‌نام، در سال ۱۹۱۸ و اوایل سال ۱۹۲۰ در درس‌های فریدریک هیلر (۹) و ارنست ترولنچ (۱۰) در برلین شرکت کرد. سپس به لایبزیگ بازگشت تا به آموختن زبان‌های شرقی و تاریخ فلسفه دین بپردازد.

او مدتی شیفته جذابیت اشعار رازآلود شاعری به نام استفان جورج (۱۱) شد که نوشته‌هایش حاکی از تجربه‌ای متعالی بود و آدمی با خواندن آنها احساس می‌کرد مجموع تار و پود قالیچه حیات را به شفافی آینه در برابر خود می‌بیند. واخ در سال ۱۹۲۲ درجه دکترای (Ph.D) خود را با گذراندن پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «مبانی پدیده‌شناسی مفهوم رستگاری» (۱۲) که در همان سال انتشار یافت، کسب کرد.

هنگامی که واخ در سال ۱۹۲۲ تدریس خود را در دانشگاه لایبزیگ آغاز کرد، رشته تاریخ ادیان (۱۳) (دین‌شناسی Belgium swissenschaft) هنوز تازه‌گویی خود را سعی می‌کرد با خط‌های جدی روبرو بود، از یک سو حق‌گویی رشته‌های از سوی کسانی که می‌پنداشتند کسی که یک «دین» (یعنی مسیحیت) را می‌گاند همه ادیان را می‌شناسد، مورد سؤال قرار گرفته و از دیگر سو روش‌شناسی دینی-علمی این رشته با رویکردهای تحول‌گرایانه روانشناختی و اجتماعی-علمی با چالش مواجه شده بود.





- 18- Philosophy of religion
- 19- Systematic
- 20- "Understanding"
- 21- Empirical religions
- 22- Descriptive
- 23- Normative
- 24- Configurations
- 25- Classic
- 26- Hermeneutics
- 27- Friedrich Schliermacher
- 28- G.A.F.Ast
- 29- F.A.wolff
- 30- August Boeckh
- 31- Wilhelm Von Humboldt
- 32- Johannes Von Hofmann
- 33- Leopold Von Ranke
- 34- Historical Positivism
- 35- C.P.Tiele
- 36- P.D.Chantepie de la saussaye
- 37- Science
- 38- Max Scheler
- 39- of religious objects and acts
- "Concrete Phenomenology"
- 40- Intellectual Contents
- 41- Religious farms
- 42- Religio-scientific method
- 43- Religion swissenschaft
- 44- Nazis
- 45- Brown
- 46- Rhode Island
- 47- Divinity school
- 48- Chicago
- 49- Nature
- 50- Expressions
- 51- Religious experienee
- 52- Rudolf otto
- 53- Experience of the holy
- 54- Philological
- 55- "Re-Cognizing"
- 56- "Cognized"
- 57- "Re- Constructing"
- 58- "Re- Produce"
- 59- Interrelation
- 60- Functions
- 61- Myths
- 62- Doctrines
- 63- Cults
- 64- Asspciations
- 65- Religious groups
- 66- Self- Interpretation
- 67- Typological method
- 68- Sociology of Religion
- 69- Integral
- 70- Barrows Lectures
- 71- Moais11
- 72- "explaining"
- 73- International
- Association for the History of Religion

تجربیات دینی و در نهایت بهتر فهمیدن جنبه‌های گوناگون خود تجربه دینی (ص ۵).

طی مرحله سوم، علاقه واخ به تحصیل فهمی واحد و یکپارچه (۶۹) از جوانب گوناگون تجربه دینی و تجلیات آن، او را نه تنها به ارزیابی مجدد رابطه بین دانش دین‌شناسی و علوم اجتماعی، بلکه به بررسی دوباره رابطه آن (دین‌شناسی) با رشته‌های هنجاری و ارزش‌گذاری همچون فلسفه دین و نظام‌های الهیاتی متفاوت کشاند. پس از اقامت موقت واخ در هند که در سال ۱۹۵۲ در دانشگاه‌های مختلف این کشور سلسله سخنرانی‌های باروز (۷۰) را ایراد کرد، این علاقه از سوی او بیشتر اظهار می‌شد. در واقع یکی از بن‌مایه‌های (۷۱) اصلی سخنرانی‌های او درباره تاریخ ادیان که به حمایت شورای آمریکایی جوامع علمی در سال ۱۹۵۴ برگزار شد، همین علاقه بود. در سخنرانی‌های او واژه «تبیین» (Deuten Erklaren) (۷۲) همواره در کنار واژه «فهم» (Verstehen) استعمال می‌شد. واخ در هفتمین نشست انجمن بین‌المللی تاریخ ادیان (۷۳) که در بهار سال ۱۹۵۵ در رم برگزار شد، آرزو و اشتیاق خود را برای پیگیری ترکیب جدید و جامعی به منظور پژوهش در مورد تجربه دینی بشر و دنبال کردن کارهای قبلی‌اش مانند «دین‌شناسی» و «فهم» با دوستانش در میان نهاد، اما در تابستان همان سال مرگ به سراغش آمد و توفیق انجام چنین اقدام خطیری را از او ربود.

بی‌نوشت‌ها:

* این مقاله ترجمه مقاله Joachim Wach، نوشته جوزف کیتاگوا (Joseph M. Kitagawa) است که در جلد ۱۵ «دایره‌المعارف دین» زیر نظر میرزا ابیاده به چاپ رسیده است.

- 1- Chemnitz
- 2- Saxony
- 3- Orselina
- 4- Moses Mendeln
- 5- Lily
- 6- Kathe
- 7- Paul
- 8- Leipzig
- 9- Friedrich Heiler
- 10- Ernst Troeltsch
- 11- Stefan George
- 12- "The foundations of a phenomenology of The Concept of Salvation"
- 13- History of religions
- 14- Prolegomena
- 15- Integrity
- 16- Autonomy
- 17- Theology

ادیان تغییر نداد. این عقاید به این قرار است: وظایف دوگانه (تاریخی و نظری) رشته ادیان، محوریت تجربه دینی و تجلی سه بعدی آن (یعنی ابعاد نظری، عملی، جامعه‌شناختی) و اهمیت قاطع و نهایی هرمنوتیک. اما واخ در طول مراحل متوالی حرفه علمی خویش بر سه نکته متفاوت روش شناختی تأکید کرد:

در مرحله نخست، واخ به تدوین مینای هرمنوتیکی برای تحقق رسالت توصیفی- تاریخی رشته ادیان اشتغال خاطر داشت. او به نحو عمدی از هرمنوتیک زبان‌شناختی (۵۴) آگوست بونخ متأثر بود که می‌گفت رسالت هرمنوتیک «بازشناسی» (۵۵) آن چیزی است که قبلاً «شناخته شده» (۵۶)؛ یعنی آنچه را که قبلاً دانسته شده با همان خصلت اصلی و اولیه‌اش بیان کردن، حتی اگر این کار موجب «بازسازی» (۵۷) آن چیز در کلیت و تمامیت آن به عنوان یک اصل کل باشد.

از این رو واخ اصرار داشت که یک مورخ ادیان در وهله نخست باید بکوشد پدیده دینی دریافت شده را جذب و آن را نسبت به خود «بازآفرینی» (۵۸) کند و سپس به عنوان امری بیرونی و مستقل از هر شخص مورد مشاهده و ارزیابی قرار دهد.

در ضمن مرحله دوم، واخ کوشید تا ابعاد اصولی (سیستماتیک) رشته تاریخ ادیان را با الگو قرار دادن جامعه‌شناسی بسط و گسترش دهد.

به نظر واخ رسالت جامعه‌شناختی (سیستماتیک) دانش دین‌شناسی دو محور اصلی دارد: ۱- این محور شامل دو بخش است: نخست ارتباط متقابل (۵۹) دین و جامعه که مستلزم بررسی ریشه‌های جامعه‌شناختی و کارکردهای (۶۰) اساطیر (۶۱)،

آموزه‌ها (۶۲)، آیین‌ها (۶۳)، انجمن‌ها و مجامع دینی (۶۴) است و دوم بررسی جامعه‌شناسانه کارکرد و تأثیر دین در جامعه، و ۲- مطالعه و بررسی درباره گروه‌های دینی (۶۵). در پرداختن به بررسی گروه‌های دینی و به ویژه انواع تفسیر نفس‌هایی (۶۶) که این گروه‌ها پدید آورده بودند، واخ روش نسخ‌شناسانه (۶۷) را به کار گرفت. همان گونه که خود در کتاب «جامعه‌شناسی دین» (۶۸) (۱۹۳۴) بیان داشته است، او متقاعد شده بود که نیاز به ایجاد تمارین پژوهشی

میان رشته دین‌شناسی و سایر رشته‌ها به ویژه رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی وجود دارد.

به این معنا کتاب «جامعه‌شناسی دین» او کوششی است برای پل زدن بین روش‌هایی که هنوز هم دین‌شناسی و علوم اجتماعی دیده می‌شود. (مقدمه ص ۵). با این همه هدف نهایی تحقیق جامعه‌شناختی (سیستماتیک) او درباره دین عبارت بود از دستیابی به بینش‌های نوین درباره روابط بین تجلیات گوناگون